



## حوزه و منشور مبارزه با فرقه‌های انحرافی

گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین خسرو پناه



عبدالحسین خسرو پناه در هر سه عرصه آموزش، پژوهش و تبلیغ فعال است و علاوه بر ریاست مؤسسه حکمت و فلسفه ایران، فعالیت‌های متعدد پژوهشی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی شدن دانشگاه‌های کشور و... را در کارنامه خود دارد. وی در کنار دروس حوزوی، دکترای کلام اسلامی را از دانشگاه امام صادق (ع) گرفته و صاحب نظریه «فلسفه فلسفه اسلامی» است؛ بیش از ۳۰ کتاب و ۱۵۰ مقاله تألیف کرده و با وجود همه اشتغالات علمی، امامت جمعه دزفول را هم بر عهده دارد. با او که توجه ویژه‌ای نیز به «آسیب‌شناسی جامعه دینی» و «جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها» دارد درباره فرقه‌های انحرافی و نقش حوزه در مقابله با آن‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم.

**وضعیت نخله‌ها و فرقه‌های انحرافی و مذاهب جعلی را در ایران در چه سطحی می‌بینید؟ آیا آن‌قدر خطر جدی محسوب می‌شوند که حوزه علمیه اولویتی به آن بدهد یا نه؟**

از قدیم‌الایام همیشه در کنار ملل، نخلی هم وجود داشته و لذا کتاب‌های ملل و نخل نوشته شده است. «شرح ثانی» ابن‌حزمان و کتاب‌های دیگران، هم ملل و هم نخل را بررسی کرده‌اند. ملل، آیین‌ها و شرایعی بودند که توسط انبیا آورده شده و اولیای الهی آن‌ها را بیان کرده‌اند؛ اما نخل، ادیان خودساخته‌ای بودند که توسط انسان‌های منحرف بیان می‌شدند و مردم را به انحراف می‌کشاندند. این انحرافات مذهبی، فرقه‌ای و دینی، همیشه و در طول تاریخ وجود داشته است و اکنون نیز در ایران، کشورهای اسلامی و بلکه در تمام کشورهای جهان وجود دارد و شناخت آن‌ها به تحقیق میدانی نیاز دارد. جریان‌های انحرافی فعال در آمریکا، اروپا، آفریقا، آسیا و استرالیا باید به‌طور جداگانه و با تحقیقات میدانی مورد بررسی قرار گیرد.

گاهی جریانات انحرافی در مقاطعی وجود داشته و از بین رفته یا کم‌رنگ شده است. مثلاً زمانی در ایران فرقه بابت خیلی فعال بود؛ ولی در حال حاضر، بهائیت مطرح است و بابت

چندان مطرح نیست. یا جریان شیخیه در گذشته تهدید خیلی جدی‌تری به شمار می‌آمد؛ ولی هم‌اکنون تهدید چندانی ندارد. لذا در هر مقطعی باید حوزه‌های علمیه با کمک نهادهای اجتماعی، امنیتی و فرهنگی، جریان‌های فکری-فرهنگی انحرافی را رصد و شناسایی و درصد تهدید و فرصت آن‌ها را نیز مشخص کنند.

بنده معتقدم امروزه پاره‌ای از فرقه‌های انحرافی وجود دارند که می‌توانند برای جامعه ما تهدید به‌شمار آیند و منشأ نوعی انحراف اعتقادی، بی‌بشنی، منشی و هم‌چنین کنشی و رفتاری در جامعه اسلامی باشند. من عمده این جریان‌های انحرافی را در کتاب «جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها» معرفی کرده‌ام و به‌نظم هنوز همان جریان‌ها در جامعه ما تهدید هستند. جریان‌هایی مثل ابتدال فرهنگی، شیطان‌پرستی، عرفان‌های کاذب، فرقه‌های متصوفه، وهابیت و بهائیت، همه می‌توانند برای جامعه خطر تلقی شوند و طبیعتاً وظیفه حوزه‌های علمیه است که این جریان‌ها را دقیق بشناسند، درباره آن‌ها تحقیق کنند و آرا و نظرات و انحرافات آنان را به نقد و بررسی بگذارند.

البته خروجی حوزه هم نباید فقط یک سری کتاب در نقد این فرقه‌ها باشد؛ این یکی از فعالیت‌هاست و باید نیروهای راتربیت کرد، به دبیرستان‌ها

و دانشگاه‌ها رفت و به سؤالات جوانان و حتی بعضی اساتید دانشگاه که گاهی سؤالات و شبهاتی دارند، پاسخ داد. باید از طریق فیلم‌نامه‌نویسی و فعالیت‌های ادبی و هنری، برای نمایشگاه و تولید رمان و فیلم، مردم را متوجه انحرافات، خطرات و تهدیدات این جریان‌ها نسبت به نسل جوان و جامعه اسلامی کرد.

این فعالیت‌ها باید به عنوان یک اولویت در حوزه‌های علمیه وجود داشته باشد؛ یعنی حوزه باید منشور مبارزه با فرقه‌های انحرافی را تدوین، رشته‌های تخصصی را برای این منظور راه‌اندازی و پژوهشکده‌های تخصصی آن را تأسیس کند. زیرا این مباحث به قدری گسترده است که کار یک نفر، دوفهر و یک مرکز نیست؛ باید مراکز مختلفی به صورت هدفمند، نظام‌مند و با مدیریت مشخص همکاری داشته باشند تا بتوانند به نتیجه برسند.

**در اسلام به اندازه کافی به مباحث معنوی توجه شده است؛ علت وجود این انحرافات و فرقه‌ها در ایران با وجود این زمینه معنوی چیست؟**

ما در کنار فعالیت‌های سلبی، یعنی نقد فرقه‌های انحرافی، باید فعالیت ایجابی نیز داشته باشیم. یعنی باید بتوانیم معنویت و تفکر ناب اسلامی را با ادبیات مختلف و برای مخاطبان گوناگون به جامعه عرضه کنیم. ما طبیعتاً با وجود میراث غنی آیات و روایات و ادعیه عرفانی که اولیای الهی، پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام در اختیار ما گذاشته‌اند، از نظر منبع علمی و معنوی هیچ کمبودی نداریم؛ اما چرا بعضی از این فرقه‌ها بر مخاطب جوان و مخاطب کم‌مایه تأثیر می‌گذارد؟ یکی از این پاسخ‌ها این است که ما در ترویج معنویت و معارف اسلامی کوتاهی کرده‌ایم؛ بخشی از فعالیت فضایی

حوزه، به‌ویژه در مشهد، درگیری علیه یکدیگر است! عده‌ای طرفدار فلسفه اسلامی شده‌اند و عده دیگری مخالف آن هستند و به‌جای این که با هم متحد شوند و فرقه‌های انحرافی و معنویت‌های کاذب را به عنوان دشمن مشترک خود نقد کنند، با هم درگیر شده‌اند! این نشان می‌دهد که یک خط‌مشی و راهبرد هدفمند وجود ندارد. این بسیار خطرناک است که افرادی فلسفه اسلامی را خطر بدانند، اما عرفان‌های کاذب او شو و امثال آن و ابتدال فرهنگی را خطرناک ندانند و تمام توانشان را صرف آن مقوله کنند. تدوین منشور مبارزه با فرقه توسط حوزه می‌تواند این اولویت را ایجاد کند.

**در این منشور باید راهبردهای سلبی بیشتر باشد یا ایجابی؟**

هر دو باید لحاظ شود؛ زمانی که این فرقه‌های انحرافی حمله‌ای در کشور ایجاد کنند، طبیعی است که باید اول مقابله و پس از آن مباحث ایجابی را تقویت کرد. بنابراین در این‌جا مباحث سلبی اولویت دارد؛ ولی در شرایطی که هم فرقه‌ها فعال هستند و هم در انتقال معنویت دینی و اسلامی ضعف‌هایی وجود دارد، باید هر دو را در عرض یکدیگر پیش ببریم تا به نتیجه مطلوب برسیم.

**ماهیت فرقه‌های نوظهور چیست؟ آیا از جنس همان فرقه‌های گذشته‌اند و همان روش‌هایی که حوزه تاکنون برای مقابله با آن‌ها داشته جواب می‌دهد؟**

طبیعتاً فرقه‌های جدید، روش‌ها، تاکتیک‌ها و حتی خط‌مشی‌های مشترکی با فرقه‌های انحرافی گذشته دارند؛ اما تفاوت‌هایی هم دارند. بنابراین، روش‌های سنتی حوزه می‌تواند پاسخ‌گو باشد، ولی کافی نیست. به‌طور مثال شیوه‌ای که در ایام